

بررسی جامعه‌شناسانه اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان در ایران (با تکیه بر تحلیل ثانویه چند پیمایش ملی)

سیدمهدی اعتمادی فرد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۴/۰۴

چکیده

اعتماد از جمله مهم‌ترین مباحث معاصر در حوزه مطالعات اجتماعی و سیاسی است که اهمیت آن در شرایط کنونی بیشتر از دوره‌های پیشین می‌باشد. در میان گروه‌های مختلف، اعتماد قشر جوان به دلیل ساخت جوان جمعیت ایران بیش از سایرین و در میان آنها نیز دانشجویان به عنوان بخش مهمی از نخبگان و بدنه کارشناسی جامعه از سهم به‌سزایی برخوردار است. در مقاله حاضر با تأکید بر وضعیت اعتماد بدنه دانشجویی در دو بعد سیاسی و اجتماعی، چیستی و چگونگی اعتماد دانشجویان بررسی شده است. در ابتدا اعتماد عمومی دانشجویان و سپس اعتماد آنها در قالب شاخص‌های پنج‌گانه اعتماد به اصناف و گروه‌های مختلف (مشمول بر: روحانیون، مدیران دولتی و قضات)، میزان مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات، میزان رضایت از اوضاع اقتصادی، میزان رضایت از اوضاع سیاسی و میزان اعتماد به اخبار رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی بر اساس داده‌های مربوط به پیمایش‌های قابل مقایسه در سطح ملی در خصوص اعتماد عمومی دانشجویان و اعتماد خاص آنها در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت. بر اساس تحلیل داده‌های موجود، اعتماد دانشجویان تحت تأثیر اعتماد عمومی مردم می‌باشد. به نظر می‌رسد، با کاهش اعتماد در میان مردم دانشجویان به میزان بیشتری تحت تأثیر قرار گرفته و اعتماد در میان آنها در ابعاد سیاسی و اجتماعی کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد اجتماعی، اعتماد سیاسی، نظام اجتماعی، مشارکت سیاسی، رضایت‌مندی عمومی.

مقدمه

اعتماد عمومی مردم از جمله مقومات مشروعیت بخش در عرصه عملی و عینی به نظام حاکم است. شاخص‌های اصلی چنین اعتمادی، در ابعاد اجتماعی و سیاسی قابل تحلیل می‌باشد. با توجه به وضعیت نظام سیاسی در ایران و تصریحات مندرج در اسناد فرادستی، چنین مقوله‌ای از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است؛ چراکه جمهوری اسلامی، نظامی سیاسی است که مبتنی بر اهداف مذهبی بنا شده و هدف آن مشارکت حداکثری مردم در ابعاد مختلف است. چنین مشارکتی بر مبنای اعتماد متقابل مردم و مسئولین بنا نهاده شده است. قانون اساسی، حاوی گزاره‌ای است که بر اساس آن لازم است همه‌ی امکانات به منظور مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی در حدود قانون را فراهم سازد.^۱ مشارکت عموم مردم، بالاخص جوانان از جمله لوازم تحقق چنین امری است. دانشجویان از جمله مهم‌ترین اقشار جوانان هستند که بدنه نخبه کشور عمدتاً از آنان تغذیه می‌شود. از این رو، مشارکت این قشر در سرنوشت کشور و میزان اعتمادی که لازمه چنین مشارکت و مقدمه‌ای بر آن است، موضوعی قابل توجه می‌باشد که در این مقاله به دنبال بحث در باب آن و بررسی ابعاد آن هستیم.

اعتماد وضعیتی خاص‌تر از اطمینان یا امید است و حاکی از موقعیتی است که به نحوی فعال افراد با یکدیگر وارد یک رابطه می‌شوند. انواع اعتماد مبتنی بر وضعیت گروهی که افراد در آن قرار دارند، متعدد می‌شود. گاهی اعتماد به افرادی است که با آنها دارای روابط چهره به چهره هستیم. در این گونه مواقع، عمدتاً میزان اعتماد تعمیم‌یافته و دارای کارکردهای خاص است؛ در حالی که در روابط رسمی و سازمان‌یافته وضعیت اعتماد به نحوی انتزاعی و تجریدی است به گونه‌ای که افراد با واسطه مقولات اجتماعی است که به سازمان اعتماد می‌یابند. به عنوان نمونه، هنگامی که افراد به نظام قضایی در کشور اعتماد دارند، محصول نوع نگاه آنها به برابری، مساوات یا انصاف در حوزه قضایی است. ممکن است آنها هیچ‌گاه قاضی یا وکیلی را ندیده باشند یا عمل خلافی را از آنها نشنیده باشند، اما هنگامی که بر اثر انباشت خاطرات، عادات یا تجربیات نسبت به مقولاتی مانند انصاف یا عدالت دچار بی‌اعتمادی شوند. وضعیت اعتماد ناشی از روابط چهره به چهره را می‌توان در روابط خانوادگی یا دوستی مشاهده کرد. اعتماد افراد در این روابط، ناشی از برخوردهای جزئی و خاص است. پدری که به فرزندش کمک می‌کند، انتظار حرف‌شنوی یا یاری او در سنین پیری را دارد. در این وضعیت، اعتماد انضمامی و عینی تحقق یافته است.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل ۲، بند ۸.





در شرایطی که روابط افراد عمدتاً به صورت سازمان‌یافته و نظام‌وار درآمده است، آن چه می‌تواند تضمین‌کننده عمل هریک از افراد متناسب با هنجارها و ارزش‌های کلی نظام باشد، اعتماد متقابلی است که میان آنها وجود دارد. روابط خالی‌شده از زمان و مکان در وضعیت‌های سازمانی یا نهادی بدون چنین امری، شکننده و اختلال‌پذیر است. موضوع بحث در مقاله حاضر، از جنس چنین اعتمادی است؛ چراکه به دنبال بررسی وضعیت اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان در وضعیتی هستیم که بر مبنای انقلاب اسلامی، نظام سیاسی تازه‌ای در دهه‌های اخیر شکل گرفته و به تدریج نهادها و اجزای رسمی خود را یافته و افراد درون آنها مشغول فعالیت و تبادل کنش هستند. سیاست‌های نظام در بدنه توده تأثیرات عمومی برجای می‌گذارد که می‌تواند عاملی برای افزایش یا کاهش اعتماد متقابل میان آنها با یکدیگر یا بدنه با نظام گردد. در اینجا با مقوله عام و تجربیدی سر و کار داریم که صرفاً بیان گر نحوه رفتار و سلوک یک شخص یا سیاست‌مدار نیست. آن چه اساساً اهمیت می‌یابد وضعیتی ذهنی و روانی است که به تدریج شکل خاصی می‌یابد و کنش‌های بعدی را جهت می‌دهد.

جوانان به دلیل ساخت جمعیتی کشور، عمده‌ترین گروه مخاطبان در مقام سیاست‌گذاری و اجرا را تشکیل می‌دهند. در میان گروه‌های جوان، دانشجویان دارای اهمیت بالایی به دلیل شکل‌دادن به بدنه‌ی تخصصی و اجرایی هستند. پس از ورود افراد به دانشگاه، هریک در رشته‌ای مشخص مشغول به تحصیل می‌شوند و در آن زمینه نیروی متخصص را در آینده تشکیل می‌دهند. فقدان اعتماد این گروه‌ها، به مراتب می‌تواند در مقایسه با سایر جوانان ضربه‌ی بیشتری به عملکرد هریک از خرده‌نظام‌ها بزند. نیروی تخصصی است که توانایی برآوردن نیازهای آتی جامعه را داراست. بدنه‌ی کارشناسان و سیاست‌گذاران نیز عمدتاً از این گروه برگزیده می‌شود. بر این اساس، پرسش اصلی که در مقاله حاضر پاسخ داده می‌شود عبارت است از: میزان اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان (خصوصاً نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران) تا چه حدی است؟

پیشینه تحقیق

با توجه به حجم پژوهش‌هایی که در زمینه اعتماد اجتماعی خصوصاً توسط جامعه‌شناسان معاصر صورت پذیرفته است، اهم موارد که موضوع مطالعه آنها اعتماد اجتماعی دانشجویان داخل یا خارج از کشور بوده است، بررسی می‌شود. عمده پژوهش‌های مذکور با توجه به روش پیمایشی و با تأکید بر گروه‌های خاصی از دانشجویان در شهری مشخص صورت



پذیرفته است و در نمایان ترین وضعیت نمونه‌گیری، قابل تعمیم به جمعیت نمونه‌ای همان دانشگاه می‌باشد. گرچه نتایج به دست آمده قابل توجه است اما به نظر می‌رسد پژوهش‌های مذکور به بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی و سیاسی دانشجویان ایرانی در بعد ملی مبادرت نکرده‌اند؛ چراکه چنین امری مستلزم هزینه‌های مالی و زمانی زیادی است و لاجرم متناسب با پژوهش حاضر، نیازمند تحلیل ثانویه پیمایش‌هایی با چنین موضوعاتی است. در این جا به اهم موارد انجام شده اشاره می‌شود و در نهایت نقاط تمایز پژوهش حاضر با آنها نیز ذکر می‌گردد. عباس محمدزاده در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان» پس از مرور نظریات مختلف، نتایج پیمایشی با ۲۴۸ نمونه از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز را گزارش کرده است. میزان اعتماد دانشجویان در حد متوسطی ارزیابی شده و بیشترین سهم در تغییرات آن مربوط به عوامل فرهنگی- اجتماعی است. زمان اجرای این پیمایش، نزدیک به پیمایش ملی ۱۳۸۲ است و از این نظر نتایج به لحاظ زمانی قابل مقایسه می‌باشد. حسن عمار، حمیدرضا آراسته و هادی رزقی شیرسوار نیز در پیمایشی با هدف ارزیابی وضعیت اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد ۳۷۱ نفر را به عنوان نمونه انتخاب کرده‌اند. نتایج این پیمایش حاکی از آن است که سهم‌شدن، حسن ظن و همکاری در میان نمونه منتخب ضعیف و سطح مؤلفه صراحت، دموکراتیک‌بودن، روابط چهره به چهره، صداقت، دگرخواهی، پاسخگویی، مسئولیت و شفافیت در عملکرد در حد مطلوبی است. مهدی قدیمی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان» پیمایشی را در این زمینه گزارش کرده است. وی در این پژوهش به بررسی میزان اعتماد اجتماعی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی دانشجویان در دانشگاه‌های زنجان پرداخته است. از میان شاخص‌های بررسی شده، میزان مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و امنیت اجتماعی دارای بیشترین رابطه با متغیر اعتماد اجتماعی دانشجویان است؛ هم چنین نویسنده به دنبال چارچوبی تلفیقی برای ابعاد مختلف خرد و کلان نظریات در قالب «اعتماد اجتماعی» بوده است.

محمود شارع‌پور و خلیل غلام‌زاده در پژوهشی تلفیقی (کتابخانه‌ای- میدانی) به بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و جامعه مدنی با تأکید بر مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه در دانشگاه مازندران پرداخته‌اند. بر اساس پیمایشی که از ۴۵۷ نفر از دانشجویان انجام شده است، برخلاف مفروضات نظری محققان، رابطه‌ای میان مشارکت در انجمن‌های مذکور و افزایش اعتماد

اجتماعی دانشجویان مشاهده نشده است. به نظر ایشان «احتمالاً از آن جایی که میزان متغیرهای جامعه مدنی در جامعه مورد مطالعه نسبتاً در سطح کم و میزان متغیرهای جامعه غیرمدنی در سطح بالایی وجود داشته است، انجمن‌های داوطلبانه نتوانسته‌اند به طور مستقیم میزان بیشتری از اعتماد اجتماعی را نشان بدهند».

منصور وثوقی و سعیده حیدری در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» نتایج پیمایشی با همین عنوان را گزارش کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اعتماد بین شخصی پاسخگویان کمتر از سطح متوسط، اعتماد خاص گرایانه آنان در حد متوسط به بالا، متغیر اعتماد عام گرایانه در حد کم و اعتماد نهادی نیز در حد متوسط است. از میان متغیرهای مذکور، وضعیت اعتماد نهادی می‌تواند به صورت خاص‌تر، بیان‌گر اعتماد به نظام سیاسی و اجتماعی نهادینه‌شده در ایران باشد.

سعیده گروسی، جلال میرزایی و احسان شاهرخی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت» به مطالعه موردی وضعیت دو متغیر مذکور در میان دختران دانشگاه آزاد جیرفت پرداخته‌اند. این مقاله مبتنی بر پیمایشی است که با تعداد ۸۸ نمونه صورت پذیرفته است. متأسفانه این پژوهش، هم حجم اطلاعات اندکی را در بر می‌گیرد و هم به نظر می‌رسد به لحاظ نمایایی، امکان تعمیم اطلاعات را نداشته باشد.

علیرضا محسنی تبریزی و اسماعیل شیرعلی در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور» به بررسی وضعیت اعتماد ۹۲۱۰ نفر از دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های آلمان پرداخته است. تحلیل مسیر و رگرسیون چندگانه داده‌های گردآوری شده حاکی از آن است که متغیرهای طول مدت اقامت در خارج از کشور، وضعیت تحصیلی، تعدد سفر به ایران، نارضایتی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر اعتماد دانشجویان مطرح است. هم‌چنین رابطه معناداری میان جنسیت و اعتماد اجتماعی وجود ندارد.

بر اساس آن چه ملاحظه شد، هیچ‌یک از پژوهش‌های مذکور به بررسی ابعاد اعتماد دانشجویان در سطح ملی نپرداخته‌اند. همان‌طور که اشاره شد، هزینه‌های زیاد مالی و زمانی، انجام چنین پژوهش‌هایی را با مشکلات زیادی مواجه می‌سازد و محقق را ناچار می‌کند تا به تحلیل ثانویه پیمایش‌های ملی در این زمینه مبادرت ورزد. متأسفانه به دلیل فقر داده‌ای که



در خصوص پیمایش‌های ملی و نتایج در دسترس آنها وجود دارد، امکان دسترسی به نتایج موضوع اعتماد اجتماعی دانشجویی در بازه‌های زمانی مختلف ممکن نیست. از این رو، محقق در این نوشتار کوشیده است تا بتواند با استناد به مهم‌ترین نتایج برآمده از چند پیمایش ملی، وضعیت اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان را مورد تحلیل قرار دهد.

چارچوب نظری

«اعتماد» از جمله مقولات اساسی در مطالعات اجتماعی و سیاسی معاصر است که عمدتاً ذیل بحث «سرمایه اجتماعی» مورد توجه قرار گرفته است. چنین امری، به دلیل چرخش نظریه جامعه‌شناختی از سویه‌های صلب و سخت به وجوه نرم و نمادین می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه به شرایط متکثرتر و پیچیده‌تر کنونی نزدیک‌تر می‌شویم، کفایت نظری الگوهای رسمی و قالبی نظریه جامعه‌شناختی که به دنبال ارائه مدل‌های فراگیر برای تبیین تحولات اجتماعی است، کاهش می‌یابد. از جمله مقولاتی که در این میان اهمیت می‌یابد، تأکید بر وجوه بینابین در شیوه‌های مواجهه کنش‌گران (در سطح خرد) و ساختار اجتماعی (در سطح کلان) است. «اعتماد اجتماعی» از جمله میانجی‌هایی است که شیوه‌های تعامل اطمینان‌آور اجزای نظام با یکدیگر را تبیین می‌کند (زتومپکا^۱، ۲۰۰۳: ۳-۱).

کنش‌گران در زندگی روزمره خود در موقعیت‌های مختلفی با یکدیگر ارتباط دارند و تلاش می‌کنند تا هنگامی که شناخت چهره‌به‌چهره‌ای از یکدیگر ندارند نیز به یکدیگر برای سامان‌دهی به نظم اجتماعی مدد رسانند. چنین امری در مواجهه با افرادی که آنها را نمی‌شناسیم اهمیت فراوان می‌یابد و از این جهت، هر فرد برای تأمین نظم اجتماعی ممکن است در روز با افراد مختلفی مواجه باشد که لازم است به شیوه‌های خاصی با آنها وارد تعامل شده و به آنها اعتماد کند؛ در صورتی که آنها را نمی‌شناسد. به همین دلیل، تونیس در تبیین تحولات اجتماعی مدرن، از جمله مشکلات را کاهش سطح اعتماد در روابط موجود در اجتماع «گزل‌شافتی»^۲ می‌داند؛ امری که عمدتاً در اجتماعات «گمن‌شافتی»^۳ به دلیل چهره‌به‌چهره بودن و عاطفی بودن، سراسر روابط را در برمی‌گیرد و بر اساس آن است که افراد می‌توانند با یکدیگر وارد روابط غیررسمی و عمیق‌تر شوند. تونیس در مقایسه این دو نوع نظم اجتماعی، مشخصه



1. Sztompka, P.
2. Gesellschaft
3. Gemeinschaft



اصلی اجتماعات گزل‌شافتی را رسمیت‌داشتن آن و افزایش سطح فردگرایی می‌داند که موجب می‌شود تا افراد به تدریج به صورت اتم‌واره از یکدیگر مستقل شوند؛ امری که مسأله اصلی وضعیت مدرن از منظر تونیس است. از این رو، کاهش سطح اعتماد اجتماعی و سیاسی با افزایش فرآیندهای مدرن‌شدن رابطه‌ای مستقیم دارد (یونگ^۱ و والفورس^۲، ۲۰۰۸: ۲۵-۲۳).

در مقابل ایده‌های نظری تونیس، گیدنز اعتماد اجتماعی را اساس نظم مدرن برمی‌شمرد که در صورت فقدان آن، امکان هیچ نوع نظم رسمی ممکن نیست. هنگامی که افراد در اوضاع پیچیده کنونی قرار دارند، نیازمند اعتماد به یکدیگرند بدون اینکه شناختی از یکدیگر به صورت مستقیم داشته باشند و صرفاً موظفند وظایف یا حقوقی که به صورت عام در نظام اجتماعی برای آنها تعریف شده یا از آنها انتظار می‌رود را برآورده سازند تا خللی در نظم جامعه ایجاد نشود (گیدنز^۳، ۱۹۹۰: ۸۳).

مخاطرات و اعتماد عمومی دو روی یک سکه در شرایط مدرن هستند که امکان تعامل را در قالب مقررات فراگیر و غیرشخصی فراهم می‌کنند. با شدت یافتن سطح و عمق روابط جهانی‌شده، امکان ارتباطات فزاینده‌ای که از زمان و مکان تهی شده است بیش از پیش به وجود می‌آید؛ در چنین شرایطی، باید انتظار داشت تا افراد با دیگرانی که هیچ‌گاه آنها را نمی‌شناسند وارد روابطی شوند که هر قدر بر مبنای قواعد از پیش تعیین شده رسمی استوار باشد، می‌پاید و در غیر این صورت، از میان می‌رود. در چنین شرایطی، اتفاقاً اعتماد عمومی شرط اصلی بقای روابط محسوب می‌شود. چنین وضعیتی هنگامی که نظام سرمایه‌داری مدرن خصلت اطلاعاتی می‌یابد، بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند (مت^۴، ۲۰۰۴: ۱۰۶).

پارسونز نیز به عنوان نظریه‌پرداز مسلط بر نیمه سده بیستم در آمریکا، در تحلیل نظام اجتماعی، خرده‌نظام‌های چهارگانه‌ای را در وضعیتی سبیرنتیکی طراحی می‌کند که بر اساس آن هریک از آنها از طرق میانجی‌هایی با یکدیگر در ارتباطند. خرده‌نظام فرهنگی که در بالاترین سطح، اطلاعات نمادین را برای سایر خرده‌نظام‌ها فراهم می‌کند، با میانجی «اطمینان»^۵ می‌تواند چنین لازمه‌ای را محقق سازد. نظام اجتماعی از طریق ایجاد همبستگی، وفاداری به اصول را به وجود می‌آورد و حدود آزادی عمل را تعیین می‌کند. نظام اجتماعی، شامل مجموع شبکه‌ی

1. Ljung, A.
2. Wahlforss, E.
3. Giddens, A.
4. Mott, W.
5. confidence



کنش‌های متقابلی است که کنش‌گران با یکدیگر دارای مناسبات ارتباطی هستند و از طریق میانجی اطمینان متقابل بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند (ترنر^۱، ۱۹۹۸: ۳۰-۳۲؛ روشه، ۱۳۷۶: ۹۱-۱۲۵؛ سوینج‌وود^۲، ۱۹۹۱: ۲۳۷-۲۳۴؛ ریتزر^۳، ۲۰۰۳: ۲۳۶).

اطمینان امری هنجارین است که شرط بقا و لازمه ارتباط و انسجام کل نظم اجتماعی مدرن است. این نظم فرهنگی هم از طریق هنجارها و ارزش‌ها و آرمان‌های کلی که به کنش‌گران پیشنهاد یا تحمیل می‌کند، برایشان آمادگی ذهنی و انگیزه کافی فراهم می‌نماید. تأکید پارسونز در بحث از میانجی اطمینان بر کلیه‌ی ساز و کارهایی است که به وسیله‌ی آنها ارزش‌ها و هنجارها درونی‌شده، زمینه‌ساز تسهیل و تحقق روابط در سایر خرده‌نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شوند. بنابراین، در فهم نظریه پارسونز در خصوص اعتماد اجتماعی، باید فرهنگ را در وضعیتی سیبرنتیکی به صورت امری جاری و سیال لحاظ کرد که از طریق ساز و کارهای خرده‌نظام فرهنگی و با مشروعیت‌بخشی هنجاری در قالب‌های مختلف تربیتی و تقنینی، امکان تحقق نظم میان‌بخش‌های مختلف را نیز فراهم می‌سازد. از این رو، در سلسله‌مراتب سیبرنتیکی پارسونزی، فرهنگ پدیده‌ای سیال است که به واسطه میانجی «اطمینان» در سایر نظام‌ها و خرده‌نظام‌ها نفوذ دارد. زیرا هر جا کنش هست فرهنگ و جهت‌گیری کنش‌گر از نظم اخلاقی که درونی‌شده نیز هست و این امر صرفاً با اطمینان متقابل میان بخش‌های مختلف قابل تحقق می‌باشد (همیلتون^۴، ۱۹۹۲: ۱۱۳-۱۱۰؛ ریتزر^۵، ۲۰۰۳: ۲۳۲-۲۳۱ و ۲۳۷-۲۳۶؛ بلاک^۶، ۱۹۶۱: ۲۹-۳۳؛ سوینج‌وود، ۱۳۸۰: ۲۸۳-۲۷۸).

با توجه به تأکید جداگانه‌ای که پارسونز بر خرده‌نظام سیاسی دارد، اعمال «قدرت»^۷ به عنوان میانجی اصلی خرده‌نظام سیاسی نیز امکان فراگیرشدن نمی‌یابد، مگر با توجه به زمینه فرهنگی که توانسته آن را برای دیگران قابل اطمینان سازد. همین امر است که به اعمال قدرت، مشروعیت می‌بخشد و آن را به نوعی «اقتدار»^۸ بدل می‌سازد. از این رو، در نظام‌های سیاسی نیز اعتماد از جمله مقومات اصلی موفقیت آن در تحقق اهداف است. حاکمیت با مردم سر و

1. Turner, J. H.
2. Swingewood, A.
3. Ritzer, G.
4. Hamilton, P.
5. Ritzer, G.
6. Black, M.
7. power
8. authority

کار دارد و هنگامی می‌تواند اقتدار پذیرفته‌شده به منظور تمشیت اراده سیاسی خود را تضمین کند که بدنه مردم مشکلات نظام را جزیی از مسائل ذهنی و دغدغه‌های خود بدانند. در این صورت، ظرفیت‌های لازم ایجاد می‌شود تا به دلیل اعتماد میان مردم و حاکمیت به عنوان میانجی، سرمایه‌های اجتماعی منبعی برای حل مشکلات باشند. مناسبات میان حاکمیت و مردم بر روابط دوسویه‌ای استوار است که تقویت یا تضعیف هر یک در دیگری به صورت مستقیم تأثیرگذار است. از میان طبقات و اقشار مختلف نیز، آن دسته که توانایی رهبری، هدایت یا کنترل ذهنیت سایرین را دارند اهمیت بیشتری می‌یابند. از این رو، اعتماد نخبگان مردم، به افزایش اعتماد سایرین نیز یاری رسانده و در نهایت ظرفیت‌های نظام برای افزایش مشارکت عمومی به منظور حل مشکلات را افزایش می‌دهد.

روش تحقیق

روش این تحقیق بر اساس پرسش اصلی آن مشخص می‌شود. از این رو، برای پاسخ‌گفتن به چیستی و چگونگی وضعیت اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان از روش تحلیل داده‌ها با الگوی تحلیل ثانویه‌ی اطلاعات استفاده شده است. مبنای گردآوری اطلاعات، پیمایش‌های ملی انجام‌گرفته در ایران و داده‌هایی است که توسط سایر پژوهش‌ها به دست آمده است که در حال حاضر منع درجه‌دومی برای این مقاله محسوب می‌شوند. تحلیل ثانویه‌ی پژوهش‌های پیشین، می‌تواند نرخ تغییرات یا میزان اعتماد بدنه‌ی دانشگاهی به نظام و ارکان مرتبط با آن را روشن سازد. محقق‌ی که به دنبال تحلیل موضوع مذکور است، باید مسیرهای رفته‌شده و اطلاعات آزمون‌شده را به نحو ثانوی از منابع مذکور استخراج کند. این امر می‌تواند به لحاظ زمانی، مالی و نیروی انسانی باعث صرفه‌جویی شود. تمامی این موارد، محقق را بر آن می‌دارد تا بتواند به شیوه‌ای درجه‌دوم به تحلیل اطلاعات مندرج در پژوهش‌های پیشینی بپردازد. بسیاری از اتلاف منابعی که در سیر انجام پژوهش‌ها صورت می‌گیرد و در مقابل نتایج معتناهی به دست نمی‌دهد، به دلیل عدم توجه به این روش می‌باشد. در مقاله حاضر به منظور دست‌یابی به اطلاعات کمی در زمینه موضوع تحقیق، به تحلیل ثانویه پیمایش‌های صورت‌گرفته تا پیش از این پرداخته می‌شود. برای تحلیل اطلاعات در این تحقیق از تحلیل یک بعدی، جداول تقاطعی و آماره‌های متناسب با سطح اندازه‌گیری متغیرها استفاده شده است. در بررسی وضعیت کلیه گویه‌ها بر حسب متغیرهای زمینه‌ای، به صورت جداگانه‌ای





میزان همبستگی متغیرها اندازه‌گیری شده و معناداری آنها نیز محاسبه گردیده است. بر اساس الگوی روشی مذکور، نمونه‌های مقاله حاضر مشتمل بر پیمایش‌های صورت گرفته‌ای است در ارتباط با موضوع تحقیق، که می‌توانند بازگوی نرخ تغییرات و میزان اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان باشند. به صورت خاص، بر نتایج پیمایش ملی انجام شده در سال ۱۳۵۳ و تکرار آن در سال ۸۳ پس از سه دهه و هم‌چنین پیمایش موج دوم نگرش‌سنجی و ارزش‌سنجی ایرانیان در سال ۱۳۸۲ تأکید شده است^۱.

به منظور بررسی وضعیت اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان در سطح کلان، ناچاریم از پیمایش‌های ملی در این زمینه استفاده کنیم. هریک از پیمایش‌های ملی انجام شده، اطلاعاتی به صورت مقطعی و برشی از یک زمان به دست می‌دهد. بنابراین، لازم است تا با مقایسه تطبیقی میان نتایج پیمایش‌ها، بتوان به بررسی روند تحولات آن در دوره زمانی مشخصی نیز دست یافت. آن چه در این زمینه به لحاظ روشی محدودیت‌های زیادی ایجاد می‌کند، عبارت است از: فقدان داده‌های پیمایشی ملی در خصوص وضعیت اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان در مقاطع زمانی متعدد و قابل مقایسه نبودن نتایج به دست آمده از پیمایش‌ها با یکدیگر. به عبارت دیگر، مشکل اولی که به لحاظ روشی برای پاسخگویی به مسأله اصلی با آن سر و کار داریم، فقدان منابع داده‌ای برآمده از پیمایش‌های ملی در دوره‌های زمانی مختلف است. مشکل دوم نیز عدم امکان مقایسه نتایج تمامی پیمایش‌های موجود می‌باشد؛ چراکه لازم است به منظور معنادار بودن مقایسه‌ها برای کشف روند تحولات، پیمایش‌ها قیاس‌پذیر با یکدیگر باشند. از این جهت، ناچاریم تا به بررسی پیمایش‌هایی بسنده کنیم که به لحاظ گویه‌ای (سوالات مندرج در پرسش‌نامه)، گزینه‌ای (طیف پاسخ‌های مندرج در پرسش‌نامه) و جمعیت آماری و نمونه‌ای (وسعت نمونه‌گیری در پرسش‌نامه نسبت به تمامی شهر و روستاها یا نسبت به مراکز استان‌ها) با یکدیگر همگنی نسبی داشته باشند و از این جهت، نتایج آنها با یکدیگر قابل مقایسه باشد. به عنوان نمونه، نتایج پیمایش ملی که به صورت کلی، اعتماد عمومی ایرانیان را مطالعه کرده است، نمی‌توان با نتایج پیمایشی که اعتماد به رسانه ملی را مطالعه نموده است مقایسه کرد. از این جهت، لازم است از میان داده‌های پیمایشی به بررسی تطبیقی هریک از نتایج با توجه به همگنی و ماهیت هریک از آنها چه در مقام گردآوری و چه در مقام تحلیل پرداخت. تمامی

۱. پیمایش اسدی، نخستین پیمایش موجود در ایران است که پیش از انقلاب اسلامی انجام شده است و نتایج آن در دسترس قرار دارد. تکرار آن در سال ۱۳۸۳ با اندکی اصلاحات در پرسش‌نامه در سطح ملی صورت گرفت و نتایج آن در سال ۱۳۸۷ توسط سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ محدود رسید.

موارد مذکور، منجر به بروز محدودیت به منظور مراجعه به داده‌های ملی در این زمینه می‌شود. در کنار چنین محدودیتی، فقدان دسترسی به اطلاعات موجود در برخی از نهادهای رسمی را نیز می‌توان عاملی به منظور افزایش محدودیت‌های داده‌ای در پژوهش حاضر دانست.

میزان اعتماد عمومی دانشجویان و تغییرات آن در سه دهه

اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان، بخشی از اعتماد عمومی آنها محسوب می‌شود که به صورت کلی می‌توان آن را تحت عنوان «اعتماد تعمیم‌یافته» جای داد. از این رو، پیش از بررسی مؤلفه‌های خاص و ویژه هر یک از ابعاد مربوط به اعتماد سیاسی - اجتماعی، نیاز است تا به صورت کلی بتوان تحلیل جامعی از وضعیت اعتماد عمومی دانشجویان ارائه داد. پس از آن، به بررسی هر یک از مؤلفه‌های خاص اعتماد سیاسی - اجتماعی نیز پرداخته می‌شود. در سال ۱۳۵۳، حدوداً ۴۵ درصد از ایرانیان فاقد اعتماد بودند. با گذشت سه دهه، میزان بدبینی به ۷۶ درصد افزایش یافته است. این وضعیت، حاکی از ایجاد بحرانی در حوزه اعتماد عمومی است. البته نمی‌توان این امر را ناشی از بی‌اعتمادی به بدنه سیاسی و نظام دانست؛ چراکه وقوع انقلاب اسلامی حاکی از افزایش بدبینی مردم در اواخر دهه پنجاه نسبت به نظام سیاسی حاکم در ایران بوده است. اما لازم به توجه است که بحران اعتماد می‌تواند عرصه‌های مختلفی را دربرگیرد که این امر، خود می‌تواند حاکمیت سیاسی را در ابعاد مختلف دچار مشکلات متعددی سازد. از این رو، روند اعتماد عمومی مردم رو به کاهش است و بی‌اعتمادی اجتماعی از نیمه به حدود ۲/۳ جمعیت افزایش یافته است. این وضعیت در میان دانشجویان و کسانی که دارای تحصیلات عالی هستند، بدتر است؛ به گونه‌ای که با افزایش میزان تحصیلات بر میزان بی‌اعتمادی نیز افزوده می‌شود. آن چه حایز اهمیت است این است که بی‌اعتمادی عمومی در میان افراد تحصیل کرده پیش از انقلاب نیز وضعیت بدی داشته و این گروه در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی، کم‌ترین اعتماد را داشته‌اند. اما میزان اعتماد این گروه پس از گذشت سه دهه کاهش بیشتری یافته است.

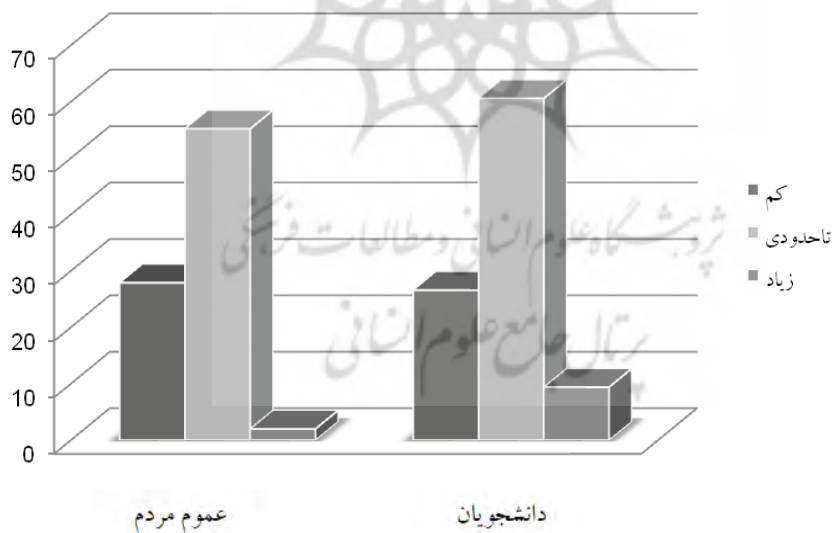
در سال ۱۳۸۲، تعداد افرادی که دارای اعتماد عمومی زیادی به دیگران هستند، به حدود ۱۴ درصد از ایرانیان می‌رسد. به دلیل آن که در این سال، گزینه «اصلاً» وجود ندارد، نمی‌توان کسانی که هیچ‌گاه به دیگران اعتماد نمی‌کنند را با داده‌های سال ۱۳۵۳ یا ۱۳۸۳ مقایسه کرد، اما مطابق با جدول زیر، کسانی که به میزان کمی به دیگران اعتماد می‌کنند حدوداً ۱/۴ جمعیت را شامل می‌شوند. سایر مردم، تا حدودی اعتماد عمومی دارند.



جدول ۱- مقایسه میزان اعتماد عمومی مردم و دانشجویان در سال ۱۳۸۲

پاسخ	عموم مردم	دانشجویان
کم	۲۷/۹	۲۶/۶
تاحدودی	۵۵/۲	۶۰/۶
زیاد	۱۳/۹	۹/۴
نمی‌دانم/بی‌پاسخ	۳/۱	۳/۴
میانگین	۱/۸۶	۱/۸۲

بر اساس جدول فوق، افراد به صورت میانگین اندکی کمتر از میانه به یکدیگر اعتماد دارند؛ چراکه گویه‌های فوق به صورت سه‌گانه طراحی شده و گزینه کم عدد ۱، گزینه تاحدودی عدد ۲ و گزینه زیاد عدد ۳ را به خود اختصاص داده است. تعداد دانشجویانی که در سطح زیادی دارای اعتماد عمومی به دیگران هستند، اندکی کمتر از سایر مردم است. اما میزان دانشجویانی که به میزان کمی چنین اعتمادی دارند حدوداً برابر با میزان عمومی اعتماد مردم در سال ۱۳۸۲ می‌باشد.



نمودار ۱- مقایسه اعتماد عموم مردم با دانشجویان در سال ۱۳۸۲

بر اساس آن چه اشاره شد، در مقایسه سه دهه از میزان عمومی اعتماد مردم به یکدیگر کاسته شده و در این میان از اعتماد دانشجویان به دیگران نیز به عنوان بخشی از بدنه فعال مردم کاسته شده؛ اما به نظر می‌رسد، این کاهش در میان دانشجویان اندکی بیش از سایر گروه‌هاست. در جدول زیر، وضعیت اعتماد عمومی دانشجویان با لحاظ متغیرهای زمینه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است:

جدول ۲- اعتماد عمومی دانشجویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل	رشته تحصیلی						جنسیت		متغیر پاسخ	
	متأهل	مجرد	الاهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن		مرد
۰/۰	۳۰/۲	۰/۰	۳۰	۲۰/۶	۲۶	۲۶/۹	۲۸	۲۷/۲	کم	
۹۳/۸	۵۹/۸	۸۵/۷	۶۰	۵۸/۸	۷۰	۶۷/۳	۶۵/۶	۶۰/۲	تاحدودی	
۶/۳	۱۰/۱	۱۴/۳	۱۰	۲۰/۶	۴	۵/۸	۶/۵	۱۲/۶	زیاد	
۹۶/۶		۹۴/۶						۹۶/۶		پاسخ معتبر
۸۳۶۹		۲۳/۱۸۲						۲/۱۵۷		آماره
۰/۰۷۹		۰/۱۰۹						۰/۳۴۰		سطح معناداری

مطابق با داده‌های مذکور، دانشجویان مرد تقریباً دو برابر دانشجویان زن دارای اعتماد عمومی به دیگران هستند. میزان مردان و زنان دانشجویی که کم به دیگران اعتماد دارند، حدوداً یکسان است. به لحاظ رشته تحصیلی نیز به ترتیب، دانشجویان هنر و معماری، دانشجویان ریاضی و فنی- مهندسی، دانشجویان ادبیات و علوم انسانی، دانشجویان علوم تجربی و پزشکی و دانشجویان الهیات و معارف اسلامی به حد کمی به دیگران اعتماد عمومی دارند. این امر حاکی از بحران اعتماد در میان دانشجویان هنر و معماری در مقایسه با سایر رشته‌های تحصیلی است. دانشجویان مجرد نیز به مراتب بیشتر از دانشجویان متأهل دارای اعتماد حداقلی به دیگران هستند. با لحاظ سه متغیر مذکور (جنسیت، رشته تحصیلی و وضعیت تأهل) می‌توان به این نتیجه رسید که هرچه دانشجویان دارای روابط عمومی بیشتری با دیگران باشند، بحران اعتماد عمومی به دیگران به صورت کلی در میان آنها نیز بیشتر است. آن چه اهمیت دارد، میزان اعتماد سیاسی- اجتماعی آنها به صورت کلی و میزان اعتماد آنها به نظام سیاسی حاکم



به صورت جزئی است. متأسفانه گویه خاصی که بتواند این امر را به صورت جزئی و خاص بسنجد، وجود ندارد. از این رو، ناچاریم تا لوازم چنین اعتمادی را در ابعاد کلی‌تر سیاسی و اجتماعی بسنجیم. شاخص‌هایی که برای سنجش دقیق‌تر چنین اعتمادی مورد نظر است، در ۵ حوزه که در پیمایش‌های ملی مورد سنجش قرار گرفته، تحلیل شده است.

اعتماد دانشجویان به اصناف و گروه‌های مختلف

اعتماد به روحانیون

بخشی از اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان در قالب اعتماد به روحانیون قابل ارزیابی است؛ چراکه این صنف، از لحاظ مذهبی و سیاسی (خصوصاً پس از انقلاب) از جایگاهی رسمی برخوردار است. در جدول زیر میزان اعتماد عمومی مردم و دانشجویان به روحانیون مقایسه شده است:

جدول ۳- مقایسه اعتماد عموم مردم و دانشجویان به روحانیون در سال ۱۳۸۲

دانشجویان	عموم مردم	پاسخ
۳۳	۲۷/۱	کم
۳۱	۲۹/۵	متوسط
۳۰	۳۹/۱	زیاد
۵/۹	۴/۲	نمی‌دانم/بی‌پاسخ
۱/۹۷	۲/۱۲	میانگین

بر اساس جدول فوق، ۱/۳ جمعیت دانشجویان به میزان کم و به همین نسبت نیز به میزان متوسط و زیاد به روحانیت اعتماد دارند. چنین امری، حاکی از وضعیت قطبی در میان دانشجویان است؛ به عبارت دیگر، ۱/۳ از دانشجویان به نحو زیادی به روحانیون اعتماد دارند و به همین میزان نیز به ایشان اعتماد کمی دارند. مابقی نیز تا حدودی به ایشان اعتماد دارند. میزان اعتماد عموم مردم به روحانیون بیشتر از دانشجویان است. وضعیت قطبی به معنای آن است که نمی‌توان از بدبینی یا بی‌اعتمادی عمومی صحبت کرد؛ به نظر می‌رسد، تأثیر بی‌کفایتی یا بدسازمانی اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی است که در حوزه‌هایی می‌تواند بدبینی بخشی از دانشجویان به روحانیون را ایجاد کند. در جدول زیر، وضعیت اعتماد دانشجویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای بیان شده است:



جدول ۴- اعتماد دانشجویان به روحانیون بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل		رشته تحصیلی					جنسیت		متغیر پاسخ
		الاهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن	مرد	
متاهل	مجرد	۰/۰	۲۲/۲	۴۷/۱	۳۸/۸	۳۲/۷	۳۱/۱	۳۸/۶	کم
۲۲/۲	۳۶	۵۷/۱	۴۴/۴	۲۰/۶	۳۴/۷	۳۴/۶	۳۲/۲	۳۳/۷	تاحدودی
۳۳/۳	۳۳/۱	۴۲/۹	۳۳/۳	۳۲/۴	۲۶/۵	۳۲/۷	۳۶/۷	۲۷/۷	زیاد
۹۴/۱		۹۲/۱					۹۴/۱		پاسخ معتبر
۳/۶۹۶		۱۱/۸۵۸					۱/۹۸۶		آماره
۰/۴۴۹		۰/۷۵۴					۰/۳۷۱		سطح معناداری



باتوجه به داده‌های مذکور، وضعیت قطبی اعتماد دانشجویان به روحانیت در میان زنان و مردان دانشجویان نسبتاً یکسان است؛ اما تعداد زنان دانشجویی که به میزان زیادی به روحانیون اعتماد دارند بیش از مردان است. اعتماد کم به روحانیون، به ترتیب در میان دانشجویان علوم تجربی و پزشکی، ادبیات و علوم انسانی، ریاضیات و فنی- مهندسی، هنر- معماری و الاهیات و معارف اسلامی وجود دارد. به همین نسبت، بیشترین میزان اعتماد به روحانیون به دانشجویان الاهیات و معارف اسلامی اختصاص دارد؛ طبیعتاً ماهیت رشته چنین اقتضایی دارد. دانشجویان ادبیات و علوم انسانی در رده پایین دسته‌ای قرار دارند که به میزان زیادی به روحانیون اعتماد دارند.

اعتماد به مدیران دولتی

از میان قوای سه‌گانه، قوه مجریه، وسیع‌ترین شبکه عملیاتی و اجرایی در کشور را در اختیار دارد. عمدتاً مواجهه مستقیم و عینی مردم با نظام سیاسی حاکم، بیشتر از طریق بدنه اجرایی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، بخش مهمی از اعتماد سیاسی- اجتماعی مشتمل بر اعتماد به بدنه اجرایی و عملکرد مدیران دولتی است. در جدول زیر، مقایسه‌ای میان عموم مردم و دانشجویان در خصوص چنین اعتمادی صورت گرفته است:

جدول ۵- مقایسه اعتماد عموم مردم و دانشجویان به مدیران دولتی در سال ۱۳۸۲

پاسخ	عموم مردم	دانشجویان
کم	۳۲/۲	۴۴/۸
متوسط	۴۱/۷	۳۹/۹
زیاد	۲۰/۳	۱۲/۸
نمی‌دانم/بی‌پاسخ	۵/۸	۲/۵
میانگین	۱/۸۷	۱/۶۷

بر اساس داده‌های فوق، اعتماد عموم مردم به مدیران دولتی بیش از دانشجویان است. میانگین چنین اعتمادی در میان عموم مردم نیز بیشتر است. در جدول زیر وضعیت اعتماد دانشجویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است:

جدول ۶- اعتماد دانشجویان به مدیران دولتی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل	رشته تحصیلی						جنسیت		متغیر پاسخ
	متأهل	مجرد	الهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن	
۲۲/۲	۴۸	۱۴/۳	۴۵/۵	۳۵/۳	۳۹/۲	۵۸/۵	۲۹/۵	۶۱/۲	کم
۷۲/۲	۳۸	۵۷/۱	۳۶/۴	۴۷/۱	۴۹	۳۰/۲	۵۴/۷	۲۸/۲	تاحدودی
۵/۶	۱۴	۲۸/۶	۱۸/۲	۱۷/۶	۱۱/۸	۱۱/۳	۱۵/۸	۱۰/۷	زیاد
۹۷/۵				۹۵/۶			۹۷/۵		پاسخ معتبر
۹/۱۲۱				۱۶/۹۵۰			۲۰/۳۱۸		آماره
۰/۰۵۸				۰/۳۸۹			۰/۰۰۰		سطح معناداری

مطابق داده‌های مذکور، میزان اعتماد مردان به مراتب بیشتر از زنان است. هم چنین بیشترین میزان اعتماد به مدیران دولتی مربوط به گرایش الهیات و معارف است. کمترین میزان نیز به ریاضیات، فنی- مهندسی و هنر- معماری اختصاص دارد. میزان اعتماد عمومی دانشجویان متأهل نیز به صورت نسبی بیش از دانشجویان مجرد است. البته برخی از دانشجویان مجرد نیز به میزان زیادی به بدنه اجرایی و مدیریت مربوط به آن اعتماد دارند.



اعتماد به قضات

پس از قوه مجریه، بیشترین میزان مواجهه عمومی با نظام سیاسی، از طریق قوه قضائیه صورت می‌گیرد. مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌هایی که تعیین‌کننده دادخواست‌های مردم است، توسط قضات صورت می‌گیرد. از این رو، در این بخش به بررسی اعتماد دانشجویان در این زمینه پرداخته می‌شود. در جدول زیر، مقایسه‌ای میان اعتماد عموم مردم و دانشجویان به قضات صورت گرفته است:

جدول ۷- مقایسه اعتماد عموم مردم و دانشجویان به قضات در سال ۱۳۸۲

پاسخ	عموم مردم	دانشجویان
کم	۲۶/۵	۳۰
متوسط	۳۳/۲	۳۸/۹
زیاد	۳۲/۵	۲۵/۱
نمی‌دانم/بی‌پاسخ	۷/۸	۵/۹
میانگین	۲/۰۷	۱/۹۵



فصلنامه علمی-پژوهشی

۴۳

بررسی
جامعه‌شناسانه ...

بر اساس جدول فوق، میانگین اعتماد دانشجویان کمتر از اعتماد عموم مردم به قضات است. عموم مردم در مقایسه با دانشجویان، به میزان زیادی به قضات اعتماد دارند. هم‌چنین تعداد دانشجویانی که به میزان کمی به قضات اعتماد دارند، بیش از عموم مردم است. در جدول زیر، وضعیت اعتماد دانشجویان به قضات بر حسب متغیرهای زمینه‌ای نیز بررسی شده است:

جدول ۸- اعتماد دانشجویان به قضات بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل	رشته تحصیلی						جنسیت		متغیر پاسخ
	الاهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن	مرد		
متاهل	۱۴/۳	۴۵/۵	۳۱/۳	۳۴/۶	۲۲	۲۶/۹	۳۶/۷	کم	
مجرد	۷۱/۴	۲۷/۳	۴۶/۹	۴۴/۲	۵۲	۴۶/۲	۳۶/۷	تاحدودی	
	۱۴/۳	۲۷/۳	۲۱/۹	۲۱/۲	۲۶	۲۶/۹	۲۶/۵	زیاد	
	۹۲/۱						۹۴/۱		پاسخ معتبر
	۲۹/۲۲۶						۲/۴۹۴		آماره
	۰/۰۲۲						۰/۲۸۷		سطح معناداری

مطابق با داده‌های مذکور، تعداد مردان دانشجویی که به میزان کمی به قضاات اعتماد دارند، بیش از زنان است. اما جنسیت بر تعداد کسانی که به میزان زیادی چنین اعتمادی دارند، تأثیر چندانی ندارد و به همین دلیل، نسبت زنان و مردان در این بخش تفاوت چندانی نمی‌کند. کمترین میزان اعتماد مربوط به گرایش هنر- معماری است. وضعیت در این گرایش قطبی‌تر از سایر رشته‌هاست؛ به گونه‌ای که در مقایسه با سایر گرایش‌ها، کمترین تعداد پاسخ متوسط را به خود اختصاص داده است. وضعیت در گرایش الاهیات و معارف اسلامی تعادل بیشتری دارد؛ چراکه تعداد پاسخ‌های متوسط در این گرایش بیشتر از سایر رشته‌هاست.

میزان مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات

از جمله شاخص‌های بررسی وضعیت اعتماد سیاسی- اجتماعی در میان گروه‌های دانشجویی میزان التزام آنان به شرکت در انتخابات به منظور تعیین سرنوشت کلان خود است. در سال ۱۳۵۳، ۳۰ درصد از کل افراد در انتخابات شرکت کردند. ۵۸ درصد در انتخابات شرکت نکرده و ۱۲ درصد نیز این پرسش را بی‌پاسخ گذاشتند. در میان پاسخگویان، افراد تحصیل کرده و دانشجو کمتر از سایر گروه‌ها بودند. این تفاوت پس از سه دهه افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۳، حدوداً ۷۸ درصد در انتخابات شرکت کرده‌اند. ۲۱/۵ درصد نیز مشارکتی در آن نداشته‌اند. صرفاً ۰/۳ درصد، این گویه را بی‌پاسخ گذاشته‌اند. مقایسه روند تحولات اعتماد به نظام سیاسی از حیث مشارکت در انتخابات حاکی از آن است که بر میزان مشارکت‌کنندگان افزوده شده است. هم‌چنین از میزان کسانی که در فضای مبهم یا مشکوک قرار داشته و از پاسخ به سؤالات سیاسی امتناع کرده‌اند کاسته شده است. اما تفاوت در پاسخگویی کسانی که دانشجو بوده یا تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، در مقایسه با سه دهه گذشته کمتر شده است. موارد مطرح‌شده مربوط به شرکت در انتخابات گذشته بوده است. از جمله موارد آینده‌پژوهی در حوزه اعتماد همان میزان آمادگی برای مشارکت در انتخاب‌های آتی است. در سال ۸۳، ۲۰ درصد تفاوت میان افراد تحصیل کرده دانشگاهی با دیگر گروه‌ها وجود داشته است. بنابراین، به نظر می‌رسد مشارکت عمومی به خصوص در مورد دانشجویان افزایش یافته است اما این میزان در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه کاهش بیشتری داشته است. از این رو، می‌توان وضعیت اعتماد دانشجویان را در حوزه مشارکت سیاسی نیز کمتر از سایر گروه‌ها دانست. در جدول زیر وضعیت مشارکت عموم مردم و دانشجویان در آخرین انتخابات ریاست جمهوری مقایسه شده است:



جدول ۹- مقایسه مشارکت عموم مردم و دانشجویان در آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۲

پاسخ	عموم مردم	دانشجویان
بله. شرکت کرده‌ام.	۷۵/۶	۸۷/۲
نه. شرکت نکرده‌ام.	۲۳/۳	۱۲/۳
نمی‌دانم/بی‌پاسخ	۱/۱	۰/۵
میانگین	۱/۲۴	۱/۱۲

بر اساس جدول فوق، اکثریت دانشجویان در انتخابات شرکت کرده‌اند. جالب آن که میزان مشارکت دانشجویان در این انتخابات از عموم مردم نیز بیشتر است. هم چنین میزان محافظه‌کاری در میان دانشجویان برای امتناع از پاسخ یا بیان پاسخی مبهم کمتر از عموم مردم است. میانگین پاسخ‌های هر دو گروه نیز ارزشی بیش از ۱ دارد که حاکی از شرکت کردن عمده ایشان است. در جدول زیر وضعیت مشارکت عینی دانشجویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای بیان شده است:

جدول ۱۰- میزان مشارکت دانشجویان در آخرین انتخابات ریاست جمهوری بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل	رشته تحصیلی						جنسیت		متغیر پاسخ
	متاهل	مجرد	الاهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن	
۹۴/۴	۸۷/۴	۸۵/۷	۹۰/۹	۸۵/۷	۹۲/۳	۸۸/۹	۸۴/۵	۹۰/۵	بله. شرکت کرده‌ام.
۵/۶	۱۲/۶	۱۴/۳	۹/۱	۱۴/۳	۷/۷	۱۱/۱	۱۵/۵	۹/۵	نه. شرکت نکرده‌ام.
۹۹/۵		۹۷/۵				۹۹/۵		پاسخ معتبر	
۷/۸۵۸		۳/۷۶۴				۱/۶۴۱		آماره	
۰/۰۲۰		۰/۸۷۸				۰/۲۰۰		سطح معناداری	

مطابق با داده‌های مذکور، میزان مشارکت دانشجویان مرد بیش از زن است. در میان گرایش‌های مختلف نیز بیشترین میزان مشارکت به ترتیب اختصاص دارد به: دانشجویان



ادبیات و علوم انسانی، هنر- معماری، ریاضیات و فنی- مهندسی، الهیات و معارف اسلامی و علوم تجربی و پزشکی. بیشترین میزان مشارکت نیز به رشته‌های ادبیات و علوم انسانی متعلق است. دانشجویان متأهل نیز بیش از مجردها در انتخابات مشارکت داشته‌اند.

میزان رضایت از اوضاع اقتصادی

یکی از سطوح بنیادی که در هر نظام اجتماعی می‌تواند از جمله مقولات زیرساختی به منظور تأمین مایحتاج معیشتی و نیازهای اساسی آن محسوب شود، نیازهای اقتصادی است. گرچه نیازهای انسان نمی‌تواند محدود به چنین سطحی شود، اما این سطح از جمله مؤثرترین سطوح محسوب می‌شود که می‌تواند وضعیت برآوردن نیازهای غیرمادی و ارزشی را نیز دستخوش تغییر کند؛ همان‌طور که برعکس آن نیز ممکن است. در این بخش میزان رضایت دانشجویان از اوضاع اقتصادی در مقایسه با عموم مردم بررسی می‌شود:

جدول ۱۱- مقایسه رضایت از اوضاع اقتصادی عموم مردم و دانشجویان در سال ۱۳۸۲

دانشجویان	عموم مردم	پاسخ
۱۸/۷	۶۹/۷	کم
۸۱/۳	۲۴/۷	تاحدودی
۰/۰	۴/۵	زیاد
۰/۰	۱/۲	نمی‌دانم/بی‌پاسخ
۱/۱۹	۱/۳۴	میانگین

مطابق با داده‌های مذکور، میزان رضایت عمومی مردم از سطح متوسط میزان رضایت دانشجویان بیشتر است. آن چه اهمیت دارد، فزونی تعداد پاسخگویانی است که در میان عموم مردم نسبت به اوضاع اقتصادی رضایت کمی دارند. بنابراین، در میان عموم مردم شاهد وضعیت دو قطبی هستیم؛ در حالی که در میان دانشجویان چنین امری کمتر مشاهده می‌شود. چنین امری برعکس وضعیت سیاسی در میان دانشجویان در مقایسه با عموم مردم می‌باشد. همان‌طور که دانشجویان به صورت‌های چندقطبی‌تری در مواجهه با حوزه سیاست تقسیم می‌شوند، در حوزه اقتصاد از یک‌دستی بیشتری برخوردارند؛ در حالی که عموم مردم در زمینه رضایت از اوضاع اقتصادی وضعیت ناهمگون‌تری دارند. در جدول زیر، وضعیت دانشجویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفته است:



جدول ۱۲- میزان رضایت از اوضاع اقتصادی دانشجویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل	رشته تحصیلی						جنسیت		متغیر پاسخ	
	متأهل	مجرد	الاهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن		مرد
۷۲/۲	۸۲/۱	۷۱/۴	۹۰/۹	۸۸/۶	۷۵/۵	۷۹/۶	۷۸/۶	۸۳/۸	کم	
۲۷/۸	۱۷/۹	۲۸/۶	۹/۱	۱۱/۴	۲۴/۵	۲۰/۴	۲۱/۴	۱۶/۲	تاحدودی	
۱۰۰		۹۸						۱۰۰		پاسخ معتبر
۱/۲۷۵		۶/۵۹۵						۹۱۴		آماره
۰/۵۲۸		۰/۵۸۱						۰/۳۳۹		سطح معناداری

بر اساس آن چه مشاهده می‌شود، مردان دانشجو کمتر از زنان از اوضاع اقتصادی رضایت دارند. کمترین میزان رضایت نیز به رشته هنر- معماری تعلق دارد و بیشترین میزان رضایت به رشته الاهیات و معارف اسلامی مربوط است. میزان رضایت مجردین از این اوضاع کمتر از دانشجویان متأهل است. جالب توجه آن که میزان رضایت در تمامی موارد، عمدتاً از ۱/۴ پاسخگویان فراتر نمی‌رود. هم چنین در میان دانشجویان افرادی نیستند که به میزان زیادی از اوضاع اقتصادی راضی باشند.

میزان رضایت از اوضاع سیاسی

سیاست، بخشی از نظام اجتماعی است که شیوه‌های بسیج منابع و ارتباط میان مردم و بدنه هیئت حاکمه را تعیین می‌کند. سیاست از جمله مهم‌ترین خرده‌نظام‌هایی محسوب می‌شود که بر اساس میزان رضایت و مقبولیت از آن می‌توان به ارزیابی و سنجش میزان اعتماد سیاسی- اجتماعی دانشجویان پرداخت. در این بخش، به مقایسه میزان رضایت عموم مردم و دانشجویان از اوضاع سیاسی پرداخته می‌شود:

جدول ۱۳- مقایسه رضایت از اوضاع سیاسی عموم مردم و دانشجویان در سال ۱۳۸۲

دانشجویان	عموم مردم	پاسخ
۴۷/۳	۳۳/۵	کم
۳۵/۵	۴۲/۳	متوسط
۶/۴	۱۳/۸	زیاد
۱۰/۸	۱۰/۴	نمی‌دانم/بی‌پاسخ
۱/۵۴	۱/۷۸	میانگین





مطابق با داده‌های فوق، میزان نارضایتی دانشجویان از اوضاع سیاسی کمتر از عموم مردم است. به نظر می‌رسد، در مقایسه با رضایت از اوضاع اقتصادی، سیاست امری مسأله‌دارتر در میان دانشجویان تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، آن چه به لحاظ ذهنی و نگرشی آنها را بیشتر به خود مشغول کرده وضعیت سیاسی است. گرچه آنها نسبت به وضعیت اقتصادی نیز نارضایتی بیشتری در مقایسه با مردم دارند اما وضعیت در حوزه سیاست حادث‌تر است. آن چه می‌تواند چنین امری را توجیه کند، درگیری‌هایی است که عمدتاً دانشجویان در مقاطع تحصیلی اولیه در دانشگاه‌ها با آن درگیرند. دانشجویان در این سال‌ها، بیش از هر چیز تحت تأثیر فضای دانشجویی قرار دارند. با افزایش سطوح تحصیلی و درگیر شدن در حوزه‌های اقتصادی و تشکیل خانواده، اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در جدول زیر، میزان رضایت از اوضاع اقتصادی دانشجویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای بیان شده است:

جدول ۱۴- میزان رضایت از اوضاع سیاسی دانشجویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل		رشته تحصیلی					جنسیت		متغیر پاسخ
متاهل	مجرد	الهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن	مرد	
۵۸/۸	۵۲/۱	۳۳/۳	۵۰	۵۴/۸	۵۴/۲	۵۸/۳	۴۴	۶۰/۸	کم
۳۵/۳	۴۰/۵	۵۰	۵۰	۳۵/۵	۴۱/۷	۳۷/۵	۵۰	۳۰/۹	متوسط
۵/۹	۷/۴	۱۶/۷	۰/۰	۹/۷	۴/۲	۴/۲	۶	۸/۲	زیاد
۸۹/۲		۸۷/۲					۸۹/۲		پاسخ معتبر
۱/۱۷۱		۱۰/۹۷۴					۶/۸۳۶		آماره
۰/۸۸۳		۰/۸۱۱					۰/۰۳۳		سطح معناداری

بر اساس آن چه مشاهده می‌شود، تعداد بیشتری از مردان به میزان کمی از اوضاع سیاسی رضایت دارند. تعداد مردانی که تا حد زیادی نیز از وضعیت سیاسی راضی‌اند، اندکی بیشتر از زنان است. این امر حاکی از آن است که وضعیت قطبی در حوزه سیاست در میان مردان دانشجو به مراتب بیشتر از زنان است. شاید دلیل آن انگیزه‌های تحصیلی زنان در مقایسه با مردان باشد. تحصیل در دانشگاه علاوه بر افزایش منزلت علمی و اجتماعی بعضی از زنان

دانشجو، می‌تواند برای برخی از آنها راهی باشد تا بتوانند زندگی آینده خود را سامان دهند و استقلال نسبی بیشتری در مقایسه با وضعیت قبلی بیابند. چنین چیزی در مورد مردان به میزان کمتری مد نظر قرار دارد. از این رو، مسائل سیاسی نیز به نحو قطبی‌تر و حادث‌تری مورد توجه آنها است. شکاف میان گرایش‌های الهیات و معارف اسلامی با سایر رشته‌ها قابل توجه است. بیشترین تعداد دانشجویانی که به میزان زیادی از وضعیت سیاسی رضایت دارند به این گرایش تعلق دارد. ماهیت رشته و فضای دانشگاهی که افراد در آن درگیر می‌شوند، از جمله مؤثرترین زمینه‌ها برای ایجاد نارضایتی سیاسی است. آن چه اهمیت دارد، درصد دانشجویان راضی یا نسبتاً راضی است. بیش از نیمی از دانشجویان در حد کمی از اوضاع سیاسی راضی‌اند. این امر می‌تواند حاکی از مسأله‌دار بودن این امر در میان دانشجویان باشد.

میزان اعتماد به اخبار رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی

رسانه ملی، منبع اطلاع‌رسانی رسمی محسوب می‌شود که از طریق آن دانشجویان، امکان دریافت اطلاعات و اخبار یا تحلیل‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دارند. اعتماد به رسانه ملی در یک کشور از جمله لوازم اعتماد به نظام حاکم بر آن کشور محسوب می‌شود؛ چراکه هرگونه خلل در آن می‌تواند نشانه‌ای باشد بر ایجاد اختلال در اعتماد به نظام. کانال‌های ارتباط مجازی از جمله مؤثرترین راه‌های ارتباطی در دنیای امروزی محسوب می‌شود که کیفیت ارتباط با آن تعیین‌کننده میزان اعتماد به نظام اجتماعی و سیاسی حاکم می‌باشد. در این بخش به بررسی اعتماد دانشجویان به اخبار رادیو و تلویزیون پرداخته می‌شود. اخبار سیاسی و اجتماعی از جمله جدی‌ترین و رسمی‌ترین سطح رسانه‌ای محسوب می‌شود که می‌تواند منبعی برای کسب اطلاعات و تحلیل آنها محسوب شود. در جدول زیر میزان اعتماد دانشجویان به اخبار مذکور با وضعیت عموم مردم مقایسه شده است:

جدول ۱۵- مقایسه اعتماد عموم مردم و دانشجویان به اخبار رادیو و تلویزیون در سال ۱۳۸۲

پاسخ	عموم مردم	دانشجویان
کم	۲۲/۲	۳۲
متوسط	۳۳/۱	۴۰/۹
زیاد	۴۲/۹	۲۶/۱
نمی‌دانم/بی‌پاسخ	۱/۷	۱
میانگین	۲/۲۱	۱/۹۴



مطابق با داده‌های مذکور، میزان اعتماد دانشجویان به اخبار رسمی رادیو و تلویزیون از میزان اعتماد عموم مردم کمتر است. جمعیت دانشجویانی که به میزان زیادی به چنین اخباری اعتماد دارند، حدوداً نصف این میزان در میان عموم مردم است. در این جا نیز میزان ابهام یا محافظه‌کاری در میان دانشجویان کمتر از عموم مردم است. در جدول زیر وضعیت اعتماد دانشجویان به اخبار صدا و سیما به حسب متغیرهای زمینه‌ای بیان شده است:

جدول ۱۶- میزان اعتماد دانشجویان به اخبار رادیو و تلویزیون بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در سال ۱۳۸۲

وضعیت تأهل	رشته تحصیلی						جنسیت		متغیر پاسخ
	مجرد	متاهل	الهیات و معارف اسلامی	هنر- معماری	علوم تجربی و پزشکی	ادبیات و علوم انسانی	ریاضیات و فنی- مهندسی	زن	
۲۷/۸	۳۲/۴	۲۸/۶	۴۵/۵	۳۴/۳	۲۵	۳۵/۸	۲۴	۴۰	کم
۳۸/۹	۴۱/۸	۲۸/۶	۴۵/۵	۳۱/۴	۴۸/۱	۴۱/۵	۴۳/۸	۳۹	متوسط
۳۳/۳	۲۵/۸	۴۲/۹	۹/۱	۳۴/۳	۲۶/۹	۲۲/۶	۳۲/۳	۲۱	زیاد
۹۹		۹۷				۹۹		پاسخ معتبر	
۲/۵۹۵		۱۵/۵۴۹				۶۷۰۵		آماره	
۰/۶۲۸		۰/۴۸۵				۰/۰۳۵		سطح معناداری	

مطابق با داده‌های مذکور، مردان کمتر از زنان نسبت به اخبار رادیو و تلویزیون اعتماد دارند. کمترین میزان اعتماد بر حسب گرایش، به دانشجویان هنر- معماری و بیشترین میزان اعتماد نیز به دانشجویان الهیات و معارف اسلامی متعلق است. فاصله میان این دو گرایش به نحوی است که دانشجویان هنر- معماری که به میزان زیادی به اخبار رادیو و تلویزیون اعتماد دارند ۱/۴ دانشجویان الهیات و معارف اسلامی است. نکته جالب آن که دانشجویان گرایش الهیات و معارف اسلامی که به میزان زیادی به اخبار اعتماد دارند کمتر از نصف دانشجویان را تشکیل می‌دهد. میزان اعتماد دانشجویان مجرد نیز کمتر از دانشجویان متأهل می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اعتماد اجتماعی از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده توسط جامعه‌شناسان معاصر است و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در تبیین و فهم وضعیت اجتماعی معاصر دارد. بر اساس نظریات



بررسی شده در این نوشتار، این مقوله، عامل اصلی تحقق و تداوم نظم عمومی در میان بخش‌های مختلف از جمله خرده‌نظام‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در شرایط جهانی شده، چنین امری اهمیت بیشتری می‌یابد؛ چراکه روابط در سطح بسیار گسترده‌ای از زمان و مکان تهی شده و امکان روابط با افرادی که آنها را نمی‌شناسیم فراهم گردیده است. از این رو، نظم پیشینی که عمدتاً غیررسمی و چهره به چهره بود و مبتنی بر اطمینان‌های شخصی تحقق می‌یافت، به نظمی رسمی و فراگیر بدل شده است که هر آن امکان گسسته شدن و مخاطرات ناشی از آن پیش روی فرد است. از این رو، اعتماد سیاسی-اجتماعی، از جمله شروط لازم به منظور تسهیل روند اجرایی و عملیاتی‌سازی برنامه‌ها و سیاست‌ها در هر نظام اجتماعی و سیاسی می‌باشد. نقض چنین اعتمادی، در روند تحقق سیاست‌ها اختلال ایجاد می‌کند یا آنها را ناکارآمد می‌سازد.

در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف، جوانان به عنوان نیروهای سازنده و پرانرژی بیش از دیگران مورد نظر قرار دارند. دانشجویان نیز از جمله گروه‌های نخبه در کشور می‌باشند که بخشی از مهم‌ترین بدنه کارشناسی کشور از آن برمی‌خیزد. از این رو، موضوع حاضر به اعتماد دانشجویان در ابعاد سیاسی و اجتماعی محدود شد. با توجه به فقدان چنین پژوهشی در میان پیشینه تحقیق، ضرورت انجام آن برجسته‌تر به نظر می‌رسد؛ چراکه در این جا برخلاف سایر پژوهش‌ها به دنبال ارائه تصویری از وضعیت اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان در سطح ملی در ایران می‌باشیم، امری که محقق را ناچار به تحلیل ثانویه پیمایش‌های ملی می‌سازد.

همان‌طور که بیان شد، دانشجویان در میان جوانان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تاریخ تحولات و تغییرات اجتماعی در ایران، حاکی از نقش عمده‌ی دانشجویان بر فعالیت بدنه‌ی حاکمیت است. شورش‌ها و اعتراضات دانشجویی نقش عمده‌ای در ایجاد دگرگونی و تغییر در شرایط اجتماعی و سیاسی داشته است. ذهنیت دانشجویی ممکن است در اثر تبلیغات مؤثر در این زمینه، به نحوی برساختی معطوف به گرایش‌هایی شود که منجر به تحرکاتی سیاسی یا اجتماعی گردد. تضعیف اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان صرفاً محدود به گروه دانشجویان، به عنوان بدنه‌ی فعال دانشگاهی که بخش عظیمی از جوانان تحصیل کرده و نخبه‌ی جامعه را تشکیل می‌دهند نبوده و می‌تواند برون‌دادهای برون‌دانشگاهی و فراآکادمیک داشته باشد؛ چراکه بسیاری از افراد در سایر اقشار با گروه‌های نخبه دانشجویی در ارتباط‌اند و از آنها تأثیر می‌پذیرند. از این رو، انجام چنین پژوهشی برای بررسی وضعیت اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان ضروری



به نظر می‌رسد. تحلیل ثانویه داده‌های پیمایشی با تأکید بر پیمایش ملی اسدی در سال ۱۳۵۳ و تکرار آن در سال ۱۳۸۳ امکان تحلیل روند تغییرات و تحولات را فراهم می‌کند. در این مقاله اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان در قالب ۵ شاخص اصلی اعتماد به اصناف و گروه‌های مختلف (مشمول بر: روحانیون، مدیران دولتی و قضات)، میزان مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات، میزان رضایت از اوضاع اقتصادی، میزان رضایت از اوضاع سیاسی و میزان اعتماد به اخبار رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی به صورت تطبیقی با اعتماد عمومی مردم و هم‌چنین به صورت تفصیلی با لحاظ متغیرهای زمینه‌ای (اعم از: جنسیت، رشته تحصیلی و وضعیت تأهل) در قالب نمودار و جداول دو بعدی تحلیل و ارزیابی شد. داده‌ها حاکی از آن است که اعتماد عمومی مردم نسبت به سه دهه گذشته کاهش یافته است؛ در میان دانشجویان، چنین کاهش بیش از سایر اقشار مردم است. از این رو، در وضعیت اعتماد اجتماعی - سیاسی در میان بدنه عمومی مردم شاهد روندی کاهش‌یابنده هستیم؛ امری که در میان دانشجویان وضعیت بحرانی‌تر و مسأله‌دارتری دارد و میزان آن به سطوح کمتری کاهش می‌یابد. این وضعیت، نشان‌گر شکل‌گرفتن مسأله‌ای اجتماعی در این زمینه در میان بدنه دانشجویی است که نیاز به توجه بیشتر و سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تری دارد.



کتابنامه

- اسدی، علی (۱۳۵۳)، *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نیان.
- سوینج‌وود، آلن (۱۳۸۰)، «تحلیل فرهنگی و نظریه سیستم‌ها، مفهوم فرهنگ مشترک: از دورکیم تا پارسونز»، مترجم: محمد رضایی، ارغنون، شماره ۱۸، صص ۲۹۲-۲۷۵.
- شارع‌پور، محمود و خلیل غلامزاده، (۱۳۸۹)، «رابطه عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۸، صص ۲۴۳-۲۲۱.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۸۳)، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۵، صص ۲۹۲-۲۶۷.
- عماری، حسن؛ حمیدرضا آراسته، و هادی شیرسوار (۱۳۸۸)، «ارزیابی سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های کشور (نمونه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، صص ۹۹-۱۱۷.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قدیمی، مهدی (۱۳۸۶)، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص ۳۵۶-۳۲۵.
- گروسی، سعیده و میرزایی، جلال و شاهرخی، احسان (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳۳، صص ۳۹-۲۶.
- گودرزی، محسن (۱۳۸۲)، *موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور*، تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گودرزی، محسن (۱۳۸۷)، *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و شیرعلی، اسماعیل (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور: موردپژوهی دانشگاه‌های کشور آلمان»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲، صص ۱۸۰-۱۵۱.
- وثوقی، منصور و حیدری، سعیده (۱۳۹۰)، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره ۳، صص ۱۸۰-۱۶۱.

- Black, Max (1961) *The Social Theories of Talcott Parsons*, New York: Englewood Cliffs.
- Giddens, Anthony (1990) *The Consequences of Modernity*, Cambridge: Polity Press.
- Hamilton, Peter (1992) *Talcott Parsons*, London: Ellis Horwood Limited.
- Ljung, Alexander & Wahlforss, Eric (2008) *People, Profiles and Trust: on Interpersonal Trust in Web-mediated Social Spaces*, Lulu.com.



Mott, William H. (2004) *Globalization: People, Perspectives, and Progress*, New York: Greenwood Publishing Group.

Ritzer, George (2003) *Sociological Theory*, New York: Rondon House.

Swingewood, Alan (1991) *A Short History of Sociological Thought*, London: MacMillan.

Sztompka, Piotr (2003) *Trust: A Sociological Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.

Turner, Jonathan H. (1998) *The Structure of Sociological Theory*, California: Wadsworth Publishing Company.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۵۴

دوره ششم
شماره ۳
پاییز ۱۳۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی